



تنها مسیر

❖ مؤلف؛ حجت الإسلام سید وحید مرتضوی

❖ موضوع؛ راه استقامت و مقاومت

❖ قالب ارائه؛ درسنامه دانش آموزی

❖ قالب محتوا؛ متن مکتوب و پاورپوینت

❖ مخاطب؛ مقطع متوسطه دوم _ دانش آموزی

❖ محصول؛ گروه تبلیغی حدّاث الحسین (علیه السلام)

❖ توضیحات؛

۱. اثر ارسالی به جشنواره‌ی تبلیغی لقمان حکیم

۲. برای اجرای پاورپوینت این اثر، نصب فونتهای B Mitra و Dast Nevis الزامی است.

ضرورت بحث

ما در جامعه ای مسلمان زندگی می‌کنیم که غالب مردم ،اهل بیت (علیهم السلام) را دوست دارند در مجالس اهل بیت شرکت میکنند و بر مصائب آنها هم گریه میکنند .
 اما متأسفانه در همین جامعه و برخی از همین قشر زمانی که از زاویه ی دیگر نگاه می‌کنیم گاهی اوقات ریزش هایی وجود دارد ،گاهی ریزش های اعتقادی ، گاهی ریزشهای رفتاری و گاهی ریزشهای اخلاقی،
 مثلاً :

- ✓ یک عده ای زمانی که مشکلات اقتصادی اختلاس ها و... می‌بینند.
 - ✓ یک عده ای زمانی که در فضای مجازی با شبهات اعتقادی مواجه می‌شوند.
 - ✓ یک عده ای زمانی که فتنه ها بر پا میشود دقیقاً همانکاری را میکنند که خواست دشمن است و در متن جامعه اسلامی پازل دشمن را کامل می‌کنند .
 - ✓ یک عده ای به راحتی به وسیله تبلیغات دشمن ؛ حق را باطل و باطل را حق در نظرشان جلوه می‌کند.
 - ✓ و موارد بسیار دیگر.
- به همین دلیل ضرورت این مطلب به وضوح روشن است که برای انتخاب درستِ مسیر و رستگار شدن ، باید راه کسب استقامت ورزیدن بر ارزش ها را آموخت .

تذکر :

- ۱- سعی شود در بحث بچه ها را مشارکت دهید به صورت نظرخواهی ، ارتباط عاطفی و...
- ۲- متن محتوای اسلاید چندین بار خوانده شود و تسلط کامل بر محتوا باشد و به گونه ای اجرا نشود که دارید از متن می‌خوانید.

اسلاید ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

اسلاید ۲

ما در دنیایی داریم زندگی می کنیم که، هر کسی در زندگی دنیایش یک سری مشکلات دارد :

- ۱- یه عده ای مشکلشون مشکل خانوادگی هست مثلاً هنگامی که زن و شوهر در کنار هم قرار می گیرند چند دقیقه ای که می نشینند اختلاف شروع می شود در این خانواده بچه ها احساس آرامش نمی کنند.
- ۲- یکسری مشکلاتشون مشکل مریضی و تن در دست نبودن ، هست. ثروت دارند، مشکل خانوادگی هم ندارند ، اما یک حبه قند هم نمیتواند بخورد و از ثروتش نمیتواند لذت ببرد.
- ۳- یه عده ای مشکلشون مشکل تحصیلی هست ، یعنی هر چقدر درس میخواند ؛ یاد نمیگیرد.
- ۴- یک عده هم مشکلاتشون، مشکل اقتصادی هست هر چقدر دنبال پول می رود کسب ثروت و اندوخته ای را به دنبال ندارد.

این اشتباه بسیار روشنی هستش که کسی فکر کند دیگران سختی ندارند و من فقط سختی دارم ، دلیل اینگونه تفکر کردن این دسته از افراد این هست که ؛ ظاهر زندگی دیگران را با باطن زندگی خودشان مقایسه می کنند!

اسلاید ۳

شاید کسی بپرسد : آیا همواره باید در این دنیا ، در سختی ، گرفتاری و مشکلات زندگی کنیم؟!!

در جواب میگویم : خیر !! بلکه خداوند در قرآن و ائمه معصومین علیهم السلام در روایات یک کلید واژه ای را آورده اند که اگر کسی به این کلید واژه عمل کند و آن کلید واژه را سرلوحه زندگی خود قرار دهد؛ سکون ، آرامش و رضایت می رسد، اگرچه سختی هم در زندگی داشته باشد ، این کلید واژه را خیلی از ماها شنیده ایم و این شنیدن زیاد ما سبب کلیشه ای شدنش شده و سبب شده خوب به آن نپردازیم و از آن غافل شویم ؛ آن کلید واژه کلید واژه ی "**استقامت**" هست^۱.

۱. در کلمات امیرالمؤمنین(علیه السلام) آمده است: «الْمَصَائِبُ بِالسُّوْبَةِ مَقْسُومَةٌ بَيْنَ الْبَرِيَّةِ» (الدعوات، ص ۲۸۸) گرفتاری ها به صورت مساوی و یکسان میان مردم تقسیم شده است.

۲. به دو آیه استناد میکنیم آیه اول: **إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخْفُوا وَ ابْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ** (۳۰ فصلت) اما آنهایی که گفتند پروردگار ما الله است و بر گفته خود پافشاری و استواری هم کردند ملائکه بر آنان نازل گشته و می گویند نترسید و غم مخورید و به بهشت بشارت و خوشوقتی داشته باشید بهشتی که در دنیا همواره وعده اش را به شما می دادند. آیه دوم: **إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ** (۱۳ احقاف) به راستی آنان که گفتند پروردگار ما الله است و در پای این گفته خود استقامت ورزیدند نه ترسی دارند و نه اندوهگین می شوند

اسلاید ۴

"استقامت" در هر امری یا هر چیزی سبب ارزشمند شدن آن امر یا آن چیز می‌گردد. مثلاً در نباتات و گیاهان اگر درختی استقامت داشته باشد ارزشمند است و چوب آن گرانتر است مانند چوب بلوط در میلان به نسبت به چوبهای دیگر خیلی گرانتر است، چه موقع معلوم می‌شود که این درخت استقامت داشته؟ زمانی که یک طوفانی اتفاق بیفتد، در معرض یک طوفانی واقع شود، آن موقع روشن می‌شود که این درخت استقامت دارد یا نه.

یا در ساختمان‌سازی؛ نماد استقامت در ساختمان سازی شناژ بندی ساختمان است؛ چه موقع معلوم می‌شود که این ساختمان استقامت دارد؟ زمانی که زلزله ای رخ دهد؛ اگر ساختمان فرو نریخت معلوم میشود استقامت داشته است، و به کاغذ بازی و مهر و امضای پایان کار نیست؛ و اگر ساختمانی استقامت نداشته باشد و یک طرف دیوار خراب شود طرف دیگر هم در معرض فرو ریختن قرار می‌گیرد یا اینکه ضعیف می‌شود.

اسلاید ۵

به همین دلیل زمانی که آیات، روایات و تاریخ نگاه می‌کنیم می‌بینیم همه روی این مهم تاکید داشته‌اند: آیات، روایات و تاریخ شهادت می‌دهند که کسانی که استقامت داشته‌اند به جایگاه والا رسیده‌اند و یا حداقل مبتلی به ذلت نشده‌اند.

✓ خداوند متعال در قرآن خطاب به پیامبرش می‌فرماید «فاصبر کما صبر اولو العظم من الرسل» یعنی ای پیامبر همانند پیامبران صاحب شریعت صبر و استقامت داشته باش؛ اگر پیغمبر ص توانستند عرب جاهلی (آنقدر در باره عرب جاهلی به شما بگویم که تاریخ نوشته اگر می-خواست از درگاهی عبور کند درگاه کوتاه بود سر خود را خم نمیکرد بلکه در گاه را خراب میکرد- فیش های تبلیغی استاد قرآنی) را که دغدغه اش شتر و شکم و شهوت بود به انسانهایی که دغدغه شان ایثار و خود گذشتگی و فداکاری باشد؛ تعبیر دهند، یکی از مهمترین ویژگی شان استقامت بوده است.

استقامت بر عقاید خود و در مقابل عقاید باطل آنها

استقامت بر اخلاق حسنه خود و در مقابل اخلاق جاهلی آنها،

یک کلیپ زیبایی از صبر و استقامت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از حاج آقای عالی شنیدم اجازه بدید

با هم گوش کنیم ...

اگر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) این اعراب جاهلی را به کرامات اخلاقی رساند یکی از دلیل‌هایش استقامت بر فضائل اخلاقی خود بود.

اسلاید ۶

شاید کسی اصلاً کار به محتوای دینی نداشته باشد؛ به او می‌گوییم؛ استقامت و بیژگی اهل تفکر، ثروت و علم و خیلی از چیزهای دیگر هم هست؛ مثلاً آلبرت انیشتین؛ در احوالات آلبرت انیشتین که مطالعه می‌کنیم میبینیم؛ انیشتین هم مانند دانش آموزان دیگر بود، باهوش بود اما بهتر از دیگران نبود، در احوالات او نوشتند تا ۴ سالگی نمی‌توانست حرف بزند و تا ۷ سالگی نمی‌توانست بخواند با این حال او جایزه نوبل را برد و چهره ماندگار در فیزیک مدرن تبدیل شد. یکی از شعارهای آلبرت انیشتین این بود که: شکست یک پیروزی در حال پیشرفت است.

یا در احوالات صاحب کتاب مفتاح العلوم می‌خوانیم که سکاکی یک مرد آهنگری بود که بر روی صندوقچه های آهنی حکاکی می‌کرد یک روز صندوقچه زیبایی را ساخت و به عنوان هدیه برای پادشاه زمان خود برد، هنگامی که پادشاه و اطرافیان صندوقچه را دیدند همه تحسینش کردند، در این میان ناگهان فردی وارد شد سکاکی دید همه او را رها کردند و نزد آن شخص رفتند و دو زانو در مقابل او نشست خیلی تعجب کرد که چه چیزی توانست حواس همه رو از کار هنری او برگرداند، از شخصی پرسید مگر این شخص چه کسی است گفتند او عالم است، او هم تصمیم گرفت عالم شود در سی سالگی به مکتب رفت و تا ده سال زحمت کشید هیچ نتیجه ای نداشت؛ در چهل سالگی در عین حال که ناامید شده بود به صحرا رفت ناگهان مشاهده کرد قطره ی آبی بر تخته سنگی می‌چکد و بر اثر ریزش مدام، این قطره ی آب سوراخی را در دل سنگ بدید آورده است. مدتی با دقت نگاه کرد سپس با خود گفت دل تو از این سنگ سخت تر نیست اگر استقامت داشته باشی سرانجام موفق خواهی شد؛ این را گفت و به مدرسه بازگشت از ۴۰ سالگی با جدیت و حوصله و صبر مشغول تحصیل شد تا جایی که به جایی رسید که دانشمندان علوم عربی و فنون ادبی به او با دیده اعجاب نگاه می‌کردند. عقل و همت را نمی‌دانم کدامین بهتر است.

آنقدر دانم که همت هرچه کرد از پیش برد

اسلاید ۷

پس ما انسانها هم از این قاعده مستثنی نیستیم؛ مثلاً استقامت در برابر مصیبت؛ اگر کسی در زندگی خود مواجه با مصیبتی شد این مصیبت سبب نشود که تمام ابعاد زندگی او تحت الشعاع این مصیبت قرار بگیرد، افسرده شود، نا امید شود؛ بلکه مانند ساختمان شناژبندی شده مانند درخت تنومند خود را نگه دارد. گاهی اوقات انسان استقامت مادر شهدا را می‌بیند، شگفت زده می‌شود، جوری که خارج از تصور ما است. (کلیپ مادر شهید مهدی صابری)

اسلاید ۸

یا استقامت در مقابل شهوت اگر کسی استقامت داشته باشد هر موقع هر چیزی را دلش خواهان بود اما حقیقتاً به سودش نبود را پذیرا نیست.
مانند اینکه عده‌ای :

- ✓ عده‌ای چشمشون را به حرام می‌بندند ؛ عده‌ای حرام می‌دانند چشمشون را ببندند.
- ✓ عده‌ای منتظر رابطه عاشقانه‌اند، عده‌ای عاشق رابطه خائانه‌اند.
- ✓ عده‌ای اهل اخلاصند و عده‌ای اهل اختلاس.

اسلاید ۹

استقامت سوم استقامت بر انسانیت است ؛ که خیلیها ادعای آن را می‌کنند چه لائیک ها و چه کسانی که مادی فکر می‌کنند همه ادعای انسانیت دارند اما استقامت بر آن ندارند .
بهترین تعریف برای انسانیت این هست که خوبی را در عمل برای همه خواسته باشم و نه اکتفا به شعار دادن ، توییت زدن و فیلم بازی کردن ؛ مثل حاج قاسم سلیمانی که واقعا خیرخواه همه بود در مقابل داعش ایستاد تا به ناموس من و شما تعرضی نشود؛ مثلاً فرض کنید شما در یک رستوران شیک با بهترین غذا ها نشسته‌اید ، غذا سرو میشود همینکه خواستید میل کنید یکی بر روی شانه شما بزند و بگوید این غذا را نخور این گرچه خیلی خوش بو و رنگ و لعاب است اما مسمومیت برایت ایجاد می‌کند ؛ آدم عاقل به این تذکر نمی‌گوید فضولی نمی‌گوید دخالت بلکه می‌گوید دلسوزی و می‌گوید انسانیت داشت و خیر خواه من بود ... اما الان مدعیان انسانیت هر چه دلشان می‌خواهد انجام می‌دهند گرچه به ضرر همه باشد.

(اگر فضا مناسب بود می‌توان این نکته رهبری را هم متذکر شد که انسانیت این هست که در عمل خیر خواه همه هم وطنان باشیم نه در شعار و توییت و...)

اسلاید ۱۰

استقامت چهارم استقامت بر عبادت است؛ برخی عبادت می‌کنند اما انگار در دلشون طلبکار خدا می‌شوند جوری که اگر خیانت در حقش شد، جواب پیامکش را نداد، نا مردی دید و... نمازش را می‌گذاره کنار، انگار خدا توی قرآن فرموده اگر نماز بخوانی هرچی اراده کنی همان می‌شود ، عبادت آثار زیادی دارد حد اقلش این است که از خدا دور نشود در مسیر خطا نیفتیم و...
حد اقل چیزی هم که میتوان گفت این هست که کسی که استقامت بر عبادت داشت هیچکس نمی‌تواند بگوید آن شخص ضرر کرده است.

اسلاید ۱۱

پنجمین قسم استقامت ، استقامت در مقابل فقر است در روایت داریم که فقر خیلی انسان را به کفر نزدیک می کند^۱ ؛ این به معنای این نیست که هر کسی فقیر شد باید کافر شود؛ بلکه شاید به این معنا باشد که افرادی که در مقابل فقر استقامت ندارند در معرض کفر گویی یا از دست دادن اعتقادات خود هستند.

مثل اباذر که فقیر بود اما استقامت هم داشت:

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ أَرْسَلَ عُمَانُ إِلَى أَبِي ذَرٍّ مَوْلِيَّيْنِ لَهُ وَمَعَهُمَا مَائَتَا دِينَارٍ فَقَالَ لَهُمَا انْطَلِقَا إِلَى أَبِي ذَرٍّ فَقُولَا لَهُ إِنَّ عُمَانَ يَقْرُنُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ هَذِهِ مَائَتَا دِينَارٍ فَاسْتَعِينْ بِهَا عَلَيَّ مَا نَابَكَ فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ هَلْ أَعْطَى أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ مِثْلَ مَا أَعْطَانِي قَالَ لَا قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَسْعَى مَا يَسْعَى الْمُسْلِمِينَ قَالَ لَهُ إِنَّهُ يَقُولُ هَذَا مِنْ صُلْبِ مَالِي وَبِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا خَاطَبْتُهَا حَرَامًا وَلَا بَعَثْتُ بِهَا إِلَيْكَ إِلَّا مِنْ حِلٍّ فَقَالَ لَا حَاجَةَ لِي فِيهَا وَقَدْ أَصْبَحْتُ يَوْمِي هَذَا وَأَنَا مِنْ أَعْنَى النَّاسِ فَقَالَ لَهُ عَاقِلًا اللَّهُ وَأَصْلَحَكَ مَا تَرَى فِي بَيْتِكَ قَلِيلًا وَلَا كَثِيرًا مِمَّا يُسْتَمْتَعُ بِهِ فَقَالَ بَلَى تَحْتَ هَذَا الْإِكْفِ الَّذِي تَرَوْنَ رَغِيفًا سَعِيرًا قَدْ آتَى عَلَيْهِمَا أَيَّامٌ فَمَا أَصْنَعُ بِهِذِهِ الدَّنَانِيرِ لَا وَاللَّهِ حَتَّى يَعْلَمَ اللَّهُ أَنِّي لَا أَقْدِرُ عَلَى قَلِيلٍ وَلَا كَثِيرٍ وَقَدْ أَصْبَحْتُ غَنِيًّا بَوْلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَعِزَّتِهِ الْهَادِيْنَ الْمَهْدِيِّنَ الرَّاضِيْنَ الْمَرْضِيِّنَ الَّذِينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَيَهْدَعُونَ وَكَذَلِكَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ فَإِنَّهُ لَقَبِيحٌ بِاللَّشِيخِ أَنْ يَكُونَ كَذَابًا فَرَدَّاهَا عَلَيْهِمْ وَأَعْلَمَاهُ أَنِّي لَا حَاجَةَ لِي فِيهَا وَلَا فِيمَا عِنْدَهُ حَتَّى آتَى اللَّهُ رَتِي فَيَكُونَ هُوَ الْحَاكِمُ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ

خلاصه اش این است که عثمان به دو غلامش گفت: این دویست دینار را ببرید و آن را یک طوری به ابوذر بقبولانید. این خیلی مطلب جالبی است؛ یعنی او می دانست، ابوذر هر پولی را نمی خورد، برای همین گفت: بروید و این پول را به ابوذر بقبولانید، و به آن ها گفت اگر بتوانید آن را به او بقبولانید، من شما را آزاد می کنم. غلام های عثمان آمدند ؛ اما هر کاری کردند دیدند نمیتواند آن پل را به اباذر بقبولاند

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كَفْرًا / اصول کافی ج ۲ ص ۳۰۷ : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فقر نزدیک بکفر است.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۲، ص: ۳۹۹

ابودر به غلام ها گفت: من نیازی به این دینار ها ندارم؛ چون من امروز از توانگرترین انسان ها هستم. غلام گفت ما که در این خانه تو هیچ چیزی نمی بینیم، که از آن استفاده کنی. من ولایت علی را در قلبم دارم و دینم را با پول معاوضه نمی کنم .

اسلاید ۱۲

شاید سؤال ی این جا مطرح شود: که چرا استقامت با این ویژگی ها در خیلی از زندگی ها نیست؟!!! اجازه دهید قبل از اینکه که جواب این سؤال را بدهم ؛ یک مطلبی را به شما بگویم که خیلی مهم است؛ امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند لکل شیء آفة ؛ برای هر چیزی آفتی هست اگر استقامت خوب است پس برای استقامت هم آفت وجود دارد ؛ شما تصور کنید دو تا سیب که هر دو از یک درخت رشد کردند هر دو از یک درخت چیده شده اند و هر دو به یک وزن هستند ؛ به هر دو تای آنها سیب نمی گویند؟!!! جواب می دهند بله می گوئیم

اما اگر یک تفاوت داشته باشد و آن اینکه یکی پوسیده و یکی سالم باشد در اینجا سیب سالم عفونت را از بین می برد اما سیب پوسیده و آفت زده خود ایجاد مریضی می کند؛ استقامت ها هم اگر آفت بزند ، نه تنها ارزش نیست بلکه ضد ارزش هست ؛ استقامت آفت زده همان لجاجت و تعصب است ؛ در روایت داریم پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند : **إِيَّاكَ وَاللَّجَاجَةَ فَإِنَّ أَوْلَهَا جَهْلٌ وَأَخْرَهَا نَدَامَةٌ** یعنی لجاجت و در ابتدا جهل است است و در پایان ندامت و پشیمانی.

اول کار خیلی ها نسبت به کارهای خطا به او گوشزد می کنند اما او پافشاری روی فکر و نظر خودش می کند ، شاید اولش متوجه نشود اما یک روزی که افسرده شد ، ضرر کرد ، سرش به سنگ خورد تازه متوجه میشود.

اسلاید ۱۳

برگردیم به سؤال خودمان؛ چرا استقامت در خیلی از زندگی ها نیست؟؟؟ من در این جلسه سه دلیل مطرح میکنم و فکر می کنم که اگر انجام شود راهکار رسیدن به استقامت در زندگی می شود اگر انجام نشود دلیل نبودن استقامت در خیلی از زندگی ها محسوب می شود:

دلیل اول؛ این است که تمرینی برای استقامت داشتن انجام نمی دهیم ؛ استقامت به عنوان یک نتیجه ارزشمند ، نیازمند به تمرین است تا انسان در شرایط خاص بتواند تأثیر آن را ببیند ؛ مثلاً در ورزش قبل از هر مسابقه تمرین می کنند تا در مقابل حریف اصلی بتوانند استقامت داشته باشند و پیروز شوند هیچ ورزشکاری در هیچ رشته ای صاحب رتبه نمی شود الا اینکه قبل از آن تمرین داشته باشد و نتیجه

آن تمرین ها، استقامت و پیروزی در مقابل حریفانش است؛ مثلاً در فوتبال هنگامی که بیرانوند توانست پلانته رونالدو را بگیرد قطعاً قبل از آن تمرین زیادی داشته، گرچه در کنار استقامت موارد دیگری هم باید رعایت شود اما فرمول اصلی این است که الانسان علی ما سعی، یعنی انسان در گرو تلاش خود هست.

نمونه دیگر تمرین استقامت در تحصیل است؛ خیلی از کسانی که به جایگاهی در کسب علم رسیده اند حتماً قبل از آن پشتکار داشتند، یا خود را آزمایش می کردند یا در کنکورهای آزمایشی شرکت می کردند، کم خوابیدند، تحقیق کردند و... یا خودشان خیلی پشتکار داشتند؛ تا در در رقابت اصلی نتیجه آن تمرین هایشان را مشاهده کنند.^۱

قسم سوم، اگر کسی بخواهد در امور معنوی هم پیشرفت کند نیازمند تمرین است، حقیقتاً برای معنویت خیلی کم تمرین کرده ایم و یا اصلاً تمرین نکردیم؛ پس چگونه توقع داریم بتوانیم معنویت را در زندگی مشاهده کنیم، برای رسیدن به معنویت نیازمند برنامه ریزی و تمرین هستیم، نیاز به چشم انداز و هدف هستیم، تا برای رسیدن به آن هر روز مراقبت از خود و اعمال و رفتارمان داشته باشیم. شخصی هست به نام عباس دانشگر نامه ای را به عنوان چشم انداز فکری خود نوشته؛ من خیلی جذب این نامه شدم:

اسلاید ۱۴

(متن وصیت نامه شهید دانشگر)

آخر من کجا و شهدا کجا، خجالت می کشم بخواهم مثل شهدا وصیت کنم، من ریزه خوارسفره‌ی آنان هم نیستم. شهید شهادت را به چنگ می‌آورد، راه درازی را طی می‌کند تا به آن مقام می‌رسد اما من چه؟! سیاهی گناه چهره‌ام را پوشانده و تنم را لخت و کسل کرده.

حرکت جوهره‌ی اصلی انسان است و گناه زنجیر. من سکون را دوست ندارم، عادت به سکون بلای بزرگ پیروان حق است.

انسان کر می‌شود، کور می‌شود، نفهم می‌شود، گنگ می‌شود و باز هم زندگی می‌کند، بعد از مدتی مست می‌شود و عادت می‌کند به مستی، و وای به حالمان اگر در مستی خوش بگذرانیم و درد نداشته باشیم.

راستی!!! دردهایم کو؟ چرا من بیخیال شده‌ام؟ نکند بی‌هوشم؟ نکند خوابم؟ ...

آیا مست زندگی نیستیم؟ خدایا! تو هوشیارمان کن، تو مرا بیدار کن،

^۱ - شاید کسی مطرح کند که من میشناسم کسانی را که بدون تلاش و شانس رتبه خوبی را کسب کرده اند!!! در جواب می‌گوییم فرضاً اگر چنین هم باشد، چنین آدم‌هایی زمانی که در کنار انسان های کوشا قرار میگیرند احساس پوچی میکنند و این خود نوعی شکست است.

خدایا! به حرمت پای خسته‌ی رقیه(سلام الله علیها)، به حرمت نگاه خسته‌ی زینب(سلام الله علیها)،
به حرمت چشمان نگران حضرت ولی عصر(عجل)؛ به ما حرکت بده.

عباس دانشگر

۱۳۹۵/۲/۲

اگر کسی توانست چشم اندازی در راه معنویت برای خودش ترسیم کند ، می تواند چیزهایی را ببیند که دیگران نمی بینند ، می تواند لذتی را بچشد که دیگران نمی چشند و خیلی از فواید دیگر ...

اسلاید ۱۵

دومین دلیل؛ که در خیلی از زندگی ها استقامت وجود ندارد نداشتن اولویت یا معرفت نداشتن نسبت به اولویت های زندگی هست ؛ خیلی از ماها شاید در زندگی خود اولویت نداریم یا اینکه اولویت داریم اما معرفت نسبت به اولویت هایمان نداریم کسانی که اولویت ندارند با کوچکترین وسوسه از آنچه که برایش تلاش می کردند دست بر میدارد و کسانی که معرفت ندارند هر روز یک اولییتی برای خودشان مشخص می کنند و هیچ کدام را نتیجه نمی رساند.

قطعاً همه شما مشاهده کردید که یک عده ای چهار سال رشته تجربی می خوانند اما بعداً کنکور زبان میدهند و آن رشته را ادامه می دهند ، عده ای رشته تجربی می خوانند بعداً کنکور هنر می دهد ؛ اما اگر کسی خدا به او توفیق دهد معرفت نسبت به هدف خود پیدا کند ، این فرد دست از هدفش برنمیدارد تا به هدف خود به بهترین نحو دست یابد ، نمونه های زیادی وجود دارد من فقط یکی را پخش می کنم :
جهانگیر خان قشقایی اجازه بدهید صوت را با هم گوش کنیم: ... (صوت حاج آقا عالی)

اسلاید ۱۶

سومین دلیل؛ یکی دیگر از دلیل هایی که سبب شده برخی در زندگی خود استقامت نداشته باشد این است که در مورد آینده مسیری که انتخاب میکنند تفکر نمی کنند و دوراهی های در مسیر خود را پیش بینی نمی کنند ، قطعاً اگر کسی در مورد آینده مسیر خود تفکر نکند و دوراهی ها را پیش بینی نکرده باشد ، زمانی که به آن مشکلات و سختی های مسیر خود می رسد نمی تواند انتخاب درستی داشته باشد و نمیتواند پیروز شود.

فکر میکرده زندگی همیشه خوشی است و تدبیری درباره دوراهی ها و سختی های در مسیر زندگی نداشته است ، این انسان زمانی که به این سختی ها برسد نمی تواند مسیر درست را انتخاب کند و نمی تواند بر مسیری که میداند درست است، استقامت داشته باشد.

اسلاید ۱۷

اجازه دهید یک مثال بسیار عجیب از تاریخ برای شما بیاورم ، که اگر کسی:

- ✓ در زندگی خود سازی کرده و تمرین استقامت داشته
- ✓ اولویت زندگی خود را با معرفت انتخاب کرده
- ✓ در مورد دوراهی ها و آینده مسیر خود هم تفکر کرده و قبل از رسیدن آن مشکلات جواب برای آنها یافته چقدر شاخص می شود.

مانند شخصیت حذیفه بن یمان ؛ حذیفه بن یمان شخصیتی هست که در تشییع جنازه حضرت زهرا (سلام الله علیها) حضور داشته است ؛ یکی از پنج نفری هست که برای یاری امیرالمومنین (علیه السلام) بلند شد ، شخصیتی است که حضرت فرمود: اعلم الناس بالمنافقین است به همین دلیل بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نگاه می کردند ببینند ، حذیفه در تشییع جنازه چه کسی شرکت می کند و اگر شرکت نمی کرد پی به منافق بودن آن میت میبردند. روزی عده ای از حذیفه پرسیدند تو چه کردی که نمونه شدی! عَلمٌ شدی! ضرب المثل شدی!!! او گفت؛ همه مردم درباره خوبی ها از پیامبر ص سؤال می کردند اما من دغدغه ی دو راهی ها را داشتم و در مورد سختی ها ، فتنه ها ، شر ها و مشکلات مسیر از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می پرسیدم ؛ از پیامبر می پرسیدند: چگونه ثواب جمع کنیم ، اما من می پرسیدم چگونه ثواب ها را از بین نبریم؛ همه دغدغه ی اسلام آوردن داشتند اما من دغدغه حفظ اسلام را داشتم ؛ به همین دلیل بعد از رحلت پیامبر خیلی از مردم درب خانه حضرت زهرا سلام الله علیها را که آتش زدند سکوت کردند اما حذیفه نه .

اسلاید ۱۸

این دو راهی ها در مسیر زندگی ما هم وجود دارد مانند دشمن شناسی ، خیلی ها فرق دشمن و دوست را نمی دانند و فکر می کنند هر کسی هم رنگ شد دوست و هر کسی ساز مخالف زد دشمن است ؛ دشمن را فقط به زمانی که چاقو روی گلو گذاشته می شناسند ، زمانی که ناموس کسی را به اجبار از او بگیرند می شناسد؛ یعنی ملاک آنها فقط همین هست، چقدر خونها به ناحق ریخته شد ، چقدر حق ها به اهلس نرسید و چقدر اتفاقات ناگوار دیگر رقم خورد به دلیل همین موضوع (پخش کلیپ دشمن شناسی)

ظاهر سازی دشمن، دلیل بر خوب بودن او نیست کسانی که دشمن قسم خورده ی ما ها هستند

(پخش کلیپ ترامپ)

(اگر وقت بود پخش کلیپ پلیس آهنی ۴)

اسلاید ۱۹

یکی دیگر از دو راهی های بسیار بسیا بسیار سخت دو راهی انتخاب دوست است ، قرآن به عنوان کتاب الهی به عنوان کتابی که تاکنون هیچ کس نتوانسته تعدیش را جواب دهد و به عنوان کتاب هدایت و خیرخواه می فرماید سه دسته روز قیامت فریاد می زنند یکی از آن سه دسته کسانی هستند که فریاد می -زند: «یاوِیَلِّیَ یَئْتِنِی لَمْ اَتَّخِذْ لَآ نَا حَلِیلاً» (۲۸ فرقان) یعنی ای کاش با فلانی رفاقت نکرده بودم ؛

- ✓ دوستی با او موجب شد اهل گناه شوم
- ✓ او تشویقم کرد ، او این راه را نشانم داد
- ✓ و...

دوست خوب دوستی نیست که همیشه چتر بالای سر انسان بگیرد بلکه دوست خوب دوستی هست که یکسری از جاها چتر بالای سر انسان نگیرد و بگذارد باران رحمت الهی بر سر انسان ببارد.

اسلاید ۲۰

یکی دیگر از چیزهایی که استقامت ها را تحت الشعاع قرار می دهد و در مسیر زندگی ما و جامعه ی قرار دارد همین شرکت در انتخابات است؛ اگر با دقت به این انتخاب ها نگاه کنیم می بینیم خیلی ها نگاه ساده -ای به انتخاب هاشون دارند :

- ✓ اینکه صرفاً انگشتشان جوهری شود.
- ✓ حزب سیاسیشون پیروز شود.
- ✓ سلفی بگیرند.
- ✓ و...

اما اگر انتخاب را با دقت نگاه کنیم می بینیم :

✓ امنیت کشور است؛ انتخابات یعنی پشتیبانی ملی و الا دشمن که خیرخواه نیست در اولین فرصت که دید بستر کار؛ که همان جامعه است پشتیبان نیست حمله میکند ؛ به همین دلیل رسانه های غرب در همه انتخاباتهای کلیدی کشور جدای از این که چه کسی برنده می شود سناریو تقلب و دستکاری رای مردم را راه می اندازد ، انگیزه ها را از بین می برند ؛ چون می داند چه ارزشی دارد از طرفی هم خیرخواهان کشور هم می دانند چه ارزشی دارد ، و می دانند امنیت و ساکت کردن دشمن در نگاه اول به موشک نیست بلکه به مشارکت و پشتیبانی مردم

است. چقدر جنگهای داخلی که قرار بود شعله ور شود و با حضور مردم خاموش شد، چقدر فتنه

ها که قرار بود ماه ها کشور را درگیر کند ولی با حضور مردم خاموش شد)

✓ علم و تکنولوژی به دنبال دارد: تاریخ شهادت می دهد زمانی که سردمداران اجرایی مملکتی خود باوری داشتند، نگاه به ارزشها و پتانسیل های درونی داشتند، دنبال نخبه جذب کردن بودند نه نخبه دفع کردن؛ این کشور هرروزش در عرصه علم و فناوری بهتر از دیروزش هست.

✓ حس امید و آرامش را ایجاد می کنند: مثلاً:

- انتخاب مربی خوب برای تیم ملی؛ چه امیدی به پیروزی ها می دهد
- انتخاب مدرسه خوب چه امیدی به موفقیت می دهد
- انتخاب فرمانده خوب چه امید قوییی به سربازان می دهد.

اما امید رشد دهنده امیدی هست که امام باقر (علیه السلام) به جابر بن عبد الله انصاری فرمود^۱: یعنی امید حقیقی؛ حضرت فرمود: «إِيَّاكَ وَالرَّجَاءَ الْكَاذِبَ فَإِنَّهُ يُوقِعُكَ فِي الْخَوْفِ الصَّادِقِ»^۲ یعنی خیلی مراقب باشید که دلبندهای دروغی نباشید که شما را در ترس حقیقی میاندازد. کسی که اهل تفکر، مشورت و بصیرتی باشد که دین میفرماید کمتر در معرض خطاست و کمتر در شعارها و امیدهای دروغی که در ابتدای هر انتخابی شروع می شود گیر می کند.

اسلاید ۲۱

اما برای اتمام حجت همیشه در تاریخ عده ای بوده اند که تمام این مراحل را طی کرده اند و خداوند به آنها عزت داده مثل شهید حججی، مثل حاج قاسم سلیمانی تمرین استقامت داشتند و راحت طلب نبودند، معرفت به هدف داشتند و دو راهی ها را هم از قبل در موردش فکر کرده بودند، خدا هم به آنها عزت داد تا جایی که رهبر مملکت بر تابوتش بوسه زد نمیدانم وصیتش به پسر دو ساله اش را گوش دادید یا نه؟

(صوت شهید حججی)

اونها زرنگی را در چی میبینند و ما چی!

^۱ - خیلی باید مراقب بود در بیان که خط قرمزها رد نشود و جذب حد اکثری باشد و باید خیلی دقت شود که تیکه انداختن و تحقیر بیانی نسبت به هیچ حذبی صورت نگیرد، تا اینکه مخاطب خودش بیاید و درخواست راهنمایی داشته باشد.

^۲ - بحار الأنوار (ط - بیروت) / ج ۷۵ / ۱۶۴ / باب ۲۲



میگه خدا یکبار قبل ظهور امام زمان عج شهید بشم و یکبار بعد ظهور امام زمان عج !
یعنی او محبت بچه ندارد ؟ یعنی نمیداند سر بریدن سخته ؟
اونها یه چیزهایی را میبینند که ما نمیبینیم
یه دعا کنم : خدایا استقامت در تمام مراحل مادی و معنوی به ما عنایت بفرما
صلوات